اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت هشتادم)

آخر الزمان (قسمت هجدهم)

دفع کردن دیوها (بخش چهاردهم)

شرایط گلخانه ای (قسمت ششم)

شرایط گلخانه ای نه تنها در طبیعت زمین در حال گسترش است، بلکه در میان روابط انسانها هم نفوذ کرده است. ایجاد شرایط گلخانه ای به معنای هبوط انسان در کره زمین است. هر بار انسان در زمین هبوط کند و امکانات زندگی طبیعی در زمین کم شود، قطعا نشان از این دارد که شیاطین قبل از هبوط، انسانها را تا حد دیوانگی برده اند و پندار انسانها را آلوده کرده اند. آموزش و یادگیری علم معنای واقعی خود را از دست داده است و بیشتر مردم به عنوان یک تکلیف به آن نگاه میکنند و برای اخذ مدرک تلاش می کنند. دیگر زنان و مردان برای فرزندانشان و تربیت آنان وقت نمی گذارند و آشپزی معنای سابق خود را از دست داده است. ازدواجها هم حالت طبیعی

خود را از دست داده است. مردم دیگر برای محیط زندگی خویش وقت نمی گذارند. سی چهل سال پیش، در بعضی جاها دو سه متر برف می بارید و در میان خانواده ها ، همیشه در فصل زمستان، پدر و یا یکی از پسران خانواده در خانه می بودند تا برفهای بام خانه را پارو کنند. این یک روال طبیعی بود و هیچ گلایه ای در کار نبود. اما اکنون وقتی مردم خودشان یک محیط مصنوعی میخواهند، خدا هم همان را به آنها خواهد داد. اگر مردم به محیط زیست خویش اهمیت ندهند، یعنی شکرگزار نیستند و در نتیجه از دستش خواهند داد. این یک قاعده ساده است. بی توجهی به نشانه های رحمانی و طبیعت خدادادی نوعی ناسپاسی است.

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ ﴿٧﴾

و آنگاه که پروردگارتان اعلام کرد که اگر واقعا سپاسگزاری کنید [نعمت] شما را افزون خواهم کرد و اگر ناسپاسی نمایید قطعا عذاب من سخت خواهد بود (۷)

مردم برای حفاظت از نظام رحمانی باید وقت بگذارند ولی بیشتر مردم اکنون به علت غرق شدن در آهنگها و فیلمها و کلیپهای گوناگون؛ وقت ندارند و ترجیح میدهند که مصنوعی زندگی کنند. نادیده گرفتن نظام رحمانی، مشکلات زیادی را در پی دارد و انحرافات زیادی ایجاد میکند. یکی از این انحرافها، جنبشهای فمنیستی است که به طور کامل نیازها و خصوصیات زنانه را بی اعتبار کرد و اهداف مردانه را جایگزین اهداف زنانه کرد. زنان در این مورد فریب خوردند و فکر کردند که آزادی آنان در این است که مثل مردها زندگی کنند و یا مردها را نادیده بگیرند. جامعه ما برای حل

مسائل عاطفی و جلوگیری از سردی مسائل عاطفی، بیش از هر چیزی نیاز به زنان با خصوصیات زنانه و مردان با خصوصیات مردانه دارد. زنان نباید خاصیت زن بودن خویش را کج کنند و نباید به سمت مرد شدن گرایش یابند. این مسائل در مورد مردان هم صادق است. بیشتر مشکلات بشریت از نداشتن هدف مشخص است. هر کدام از زنان و مردان، اهداف مخصوص خویش را دارند و نباید زنان اهداف مردانه و مردان اهداف زنانه انتخاب کنند. متاسفانه شرایط جدید اجتماعی به این سمت خواهد رفت که خاصیت مردانگی را از بین ببرد و خاصیت زنانه را هم منحرف کند. وقتی در تبلیغات تلویزیونی ، چین و چروک پوست برای مردان به عنوان یک عیب مطرح میشود، این شروع یک فرآیند گلخانه ای برای مردان و زنان است. در این فرایند ممکن است که بعضی ها به اشتباه فکر کنند که جامعه نیازی به خاصیتهای مردانه ندارد. هنوز هم خاصیت مردانه برای پیشبرد اهداف جامعه و خانواده ها الزامی است و این خاصیت هیچوقت نباید کم رنگ شود و یا از بین برده شود و این مورد برای خاصیت زنانگی زنان هم صادق است. هر نظام و سیستمی در پی آن باشد که خاصیت مردانگی را از مردان بگیرد و یا خاصیت زنانگی را از زنان بگیرد، یک سیستم فرعونی در آنجا برقرار است. همانطور که آیه قرآنی می فرماید:

وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَذَرُ مُوسَى وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَذَرَكَ وَآلِهَتَكَ قَالَ سَنُقَتِّلُ أَبْنَاءَهُمْ وَنَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ ﴿١٢٧﴾

و سران قوم فرعون گفتند آیا موسی و قومش را رها می کنی تا در این سرزمین فساد کنند و [موسی] تو و خدایانت را رها کند [فرعون] گفت بزودی پسرانشان را می کشیم و زنانشان را زنده نگاه می داریم و ما بر آنان مسلطیم (۱۲۷)

قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿۱۲۸﴾

موسى به قوم خود گفت از خدا يارى جوييد و پايدارى ورزيد كه زمين از آن خداست آن را به هر كس از بندگانش كه بخواهد مى دهد و فرجام [نيك] براى پرهيزگاران است (۱۲۸)

إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضْعِفُ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ ﴿۴﴾

فرعون در سرزمين [مصر] سر برافراشت و مردم آن را طبقه طبقه ساخت طبقه اى از آنان را زبون مى داشت پسرانشان را سر مى بريد و زنانشان را [براى بهره كشى] زنده بر جاى مى گذاشت كه وى از فسادكاران بود (۴)

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ﴿۵﴾

و خواستيم بر كسانى كه در آن سرزمين فرو دست شده بودند منت نهيم و آنان را پيشوايان [مردم] گردانيم و ايشان را وارث [زمين] كنيم (۵)

قتل مردان در آیه بالایی، به معنای از بین بردن خاصیتهای مردانگی هم هست. و زنده نگهداشتن زنان(وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ**)، به معنای سوء استفاده از زنان در فقدان مردان است و زنان را از مردان جدا میکند و به آنها دیکته میکند که زنان بدون مردان هم میتوانند در زمین زندگی کنند.**

بعضی جاها، مردم به خیال خود، مسابقه های زیبایی می گذراند و معیارهای الکی و گلخانه ای برای آن در نظر می گیرند و خود را به این معیارهای مادی و منحرف مشغول میکنند. در حالی که معیار زیبایی از نظر قرآن، برای هر فردی اعم از مرد و زن؛آراسته شدن به پندار نیک، کردار نیک و گفتار نیک و گفتار صبر است. به قول زنان مصر، یوسف فردی فرشته خوی (مَلَكٌ كَرِيمٌ**) بوده است؛ و این بخاطر داشتن**

معیارهای گلخانه ای نبوده است، بلکه بخاطر داشتن پندار، کردار، گفتار نیک بوده است.

فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكَأً وَآتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ ﴿٣١﴾

پس چون [همسر عزیز] از مکرشان اطلاع یافت نزد آنان [کسی] فرستاد و محفلی برایشان آماده ساخت و به هر یك از آنان [میوه و] کاردی داد و [به یوسف] گفت بر آنان درآی پس چون [زنان] او را دیدند وی را بس شگرف یافتند و [از شدت هیجان] دستهای خود را بریدند و گفتند منزه است خدا این بشر نیست این جز فرشته ای بزرگوار نیست (۳۱)

زیبایی یوسف بخاطر قیافه ظاهری نبوده است. دلیل این نکته آن است که پسران یعقوب، در مورد پدرشان به اشتباه رفتند و درک نمی کردند که چرا پدرشان به یوسف بیشتر توجه میکرد.

إِذْ قَالُوا لَيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَى أَبِينَا مِنَّا وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٨﴾

هنگامی که [برادران او] گفتند یوسف و برادرش نزد پدرمان از ما که جمعی نیرومند هستیم دوست داشتنی ترند قطعا پدر ما در گمراهی آشکاری است (۸)

آنها بنا به پندار منحرف خود، نیرومندی و قدرت و قلدری را معیار خوب بودن تعریف میکردند. اما یوسف کسی بود که پندارش خوب و نیک و پسندیده بود و

کردار و گفتارش هم نیک بود و همین خصوصیات او، توجه ها را جلب میکرد. حتی فرشتگان به این خاطر در قرآن، زیبا و کریم معرفی شده اند؛ که آنان این اصل مهم را رعایت میکنند. فرشتگان کسانی هستند که نسبت به خدای رحمان عصیان نمی کنند؛ از بندگی کردن خسته نمی شوند و پیوسته خدای رحمان را تسبیح و تقدیس می نمایند. آنان در راستای نظام رحمانی عمل میکنند و این معیارهاست که آنان را زیبا میکند. برای انسانها هم همین معیار برقرار است. زیبایی انسانها به شکل ابرو و حجم گونه و لب و مقدار چین و چروک پوست و رنگ پوست نیست. اینها معیارهای بیخودی هستند و هیچوقت معیار زیبایی افراد نیستند. افراد زیادی عمل جراحی زیبایی انجام داده اند و چنین ملاکهای مادی را بر روی بدن خویش اجرا کرده اند، ولی اصلا زیبا نیستند و خودشان هم میدانند که زیبایی خود را از دست داده اند.

بعد از اینکه یعقوب، یوسف را گم کرد، نمیدانست که با پسرانش چکار کند. زیرا آنچه که یعقوب در یوسف میدید، اخلاق خوب و پندار نیک و گفتار نیک بود و فرزندی با این خصوصیات نعمت است و همیشه قابل توجه است. یوسف در نظام رحمانی بود و یعقوب دلتنگ چنین فردی بود؛ زیرا تعداد این افراد در جامعه کم بوده است. همیشه انسانهای خوبی در جامعه بوده اند که شاید خدا فقط بخاطر آنان ، بطور موقت نعمات رحمانی را از آن جامعه دور نمی کند.

وَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسَفَى عَلَى يُوسُفَ وَابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ ﴿۸۴﴾

و از آنان روی گردانید و گفت ای دریغ بر یوسف و در حالی که اندوه خود را فرو می خورد چشمانش از اندوه سپید شد (۸۴)

اینکه یکی در خانواده باشد که همیشه به پندار نیک، کردار و گفتار نیک دعوت کند و عمل کند؛ بسیار حائظ اهمیت است و تاسف یعقوب، بخاطر نبود چنین کسی در خانواده بعد از غیبت یوسف بود. یکی از دعاهای صالحین داشتن فرزندانی با این خصوصیات است.

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا ﴿٧۴﴾

و کسانی اند که می گویند پروردگارا به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه روشنی چشمان [ما] باشد و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان (۷۴)

در بعضی کشورهای صنعتی و پیشرفته، آمار خودکشی و افسردگی بالا رفته است. از جمله کشورهای ژاپن و کره جنوبی که جوانان آنان بخاطر غرق شدن در شرایط گلخانه ای، دچار اختلال عاطفی شده و از نظام رحمانی دور افتاده و دچار انواع افسردگی ها و استرسها شده اند و خودکشی میکنند. در ایران هم بعضی مهمانیها که میروید، کودکان سرشان توی گوشی است و تمام مدت گوشی دستشان است و مشغولند. وقتی هم میپرسید، چرا ؟ والدینشان می گویند که نسل جدید اند دیگر! و کاری نمیشود کرد و در ادامه می گویند که نسل جدید خیلی باهوشند و با این گوشی ها بلدند کار کنند! غافل از اینکه این کودک به رشد روحی نیاز دارد و دارند دو دستی کودک خود را بدبخت میکنند و او را به تمام معنا، گلخانه ای بار می آورند. واقعا کار

کردن با یک گوشی، چه کار شاقی است که بخاطر آن ، والدین به روح و روان بچه هایشان توجهی نمی کنند.

سرعت زندگیها بالا رفته است. قبلا مردم تابستان کار میکردند و زمستان استراحت میکردند. اما اکنون زمستان و تابستان و شب و روز فرقی برای مردم ندارد و خود را دچار فشار روانی و عصبی زیادی کرده اند. بیشتر نمازها در اوقات روز و هنگام انجام کار باید برگزار شوند. اما بیشتر مردم هنگام کار، نماز نمی خوانند و شب زمانی که برگردند خانه، آن هنگام که وقت نمازها همگی تمام شده است. بنابراین مردم حتی نمازها را هم گم کرده اند.

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا ﴿٥٩﴾

آنگاه پس از آنان جانشینانی به جای ماندند که نماز را تباه ساخته و از هوسها پیروی کردند و به زودی [سزای] گمراهی [خود] را خواهند دید (۵۹)

إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا ﴿٦٠﴾

مگر آنان که توبه کرده (توبه) و ایمان آورده (پندار نیک)و کار شایسته (کردار نیک) انجام دادند که آنان به بهشت درمی آیند و ستمی بر ایشان نخواهد رفت (۶۰)

آیه شصت نکته زیبایی را دارد و آن هم ترتیب (توبه – پندار نیک – کردار نیک) است. کسی که دچار پندار بد و یا کردار بد میشود؛ بسادگی نمیتواند به چرخه رحمانی

(پندار نیک-کردار نیک-گفتار نیک) برگردد. برای برگشت به چرخه رحمانی باید حتما قبل از پندار نیک، توبه کند. بنابراین توبه پیش نیاز چرخه رحمانی است.

اکنون مسجدها به جاهای پر زرق و برقی تبدیل شده اند و صفا و سادگی سابق را ندارند. سرعت زندگی ها بالاتر رفته است و مردم دچار رقابت شدید شده اند. کلاسهای کنکور و عجیب و غریب بوجود آمده اند که باعث ایجاد رقابت ناسالم و بی فایده بین انسانها شده است. در قدیم چاقی نوعی بیماری بود ولی حالا طبیعی شده است و افراد چاق که ۹۹ درصد بخاطر پرخوری و بی تحرکی دچار آن شده اند، خود را بیمار بحساب نمی آورند و خیال میکنند که سبک زندگی سالمی را طی میکنند. در میان مردم هنوز شکرگزاری رایج نیست و مفهوم شکرگزاری باید درک شود و میان مردم رواج یابد تا از هبوط بیشتر امکانات زمین جلوگیری شود.

هر انسانی به خدا یک جمله بدهکار است که روزی باید به آن نتیجه برسد و آن را به زبان آورد و با قلب خود آن را بفهمد. آن جمله این است که خدایا از قبول امانت و آمدن به این دنیا پشیمانم و اشتباه کردم. این نتیجه گیری برای هر انسانی لازم است. اگر آدمیان خودشان چنین نتیجه ای گرفتند، که فبها و گرنه ممکن است خدا آنان را وارد شرایط گلخانه ای کند و یا دچار بیماریهای مختلف و مشکلات مختلف شوند و آنان در میانه این مشکلات به این نتیجه برسند. خیلی ها هم هیچوقت به این نتیجه و پندار نیک نمی رسند و متاسفانه وقت خود را تلف میکنند تا اجلشان برسد. کسی که با خدا به نتیجه نرسد، با هیچ کس دیگری هم به نتیجه نخواهد رسید. بعضی از مردم در این حالت اعلام میدارند که زندگیشان قفل شده است و البته کلید این

قفل این است که تکلیف خود را با خدا مشخص کنند و در نظام رحمانی بمانند. این نوع نتیجه گیری از زندگی، یک پندار نیک بحساب میاید. کسی که پندار نیک در مورد خدا نداشته باشد، یک آتئیست به حساب میاید؛ هر چند خود را آتئیست ننامد.

ما خودمان انتخاب کردیم که میتوانیم کار و بار خود را در زمین با علم خویش بچرخانیم ولی حالا نتیجه یک چیز دیگری است و زمین وارد شرایط گلخانه ای شده است و بشر دارد زمینی که شبیه شرایط بهشت در آن برقرار بود، را به یک جهنم تبدیل میکند. ما باید اقرار کنیم که در این مورد اشتباه کردیم و به درگاه خدا توبه کنیم. کسی که به این نتیجه برسد ، ثابت میکند که قصد توبه دارد و می خواهد به بهشت برین برگردد. از نظر خدا کسانی که به این نتیجه نرسند، ستمگر و نادان خواهند ماند (ظَلُومًا جَهُولًا **) و وارد بهشت نخواهند شد و به این شرایط گلخانه ای در جهنم ادامه میدهند.**

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا ﴿۷۲﴾

ما امانت [الهی و بار تکلیف] را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه کردیم پس از برداشتن آن سر باز زدند و از آن هراسناك شدند و[لی] انسان آن را برداشت راستی او ستمگری نادان بود (۷۲)

لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿۷۳﴾

[آری چنین است] تا خدا مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرك را عذاب كند و توبه مردان و زنان با ایمان را بپذیرد و خدا همواره آمرزنده مهربان است (۷۳)

جهنم جایی است که شرایط گلخانه ای به بدترین حالتش در آن برقرار است. در قدیم که هنوز شرایط گلخانه ای در زمین شروع نشده بود، میوه ها هر کدام طعم و مزه مخصوصی داشتند و حتی آب چشمه ها هر کدام گوارایی مخصوص خود را داشت. اما اکنون تعداد مزه ها کم شده است و حتی ممکن است زمانی برسد که انواع میوه ها به سمت تک مزگی بروند و دیگر فرقی بین مزه شلیل و زرد آلو نباشد. بشر دارد به سمت شکل سازی میرود. یعنی میوه ای تولید میکند که شبیه زردآلو است و دیگر خواص و مزه زرد آلو داشته باشد یا نداشته باشد، برایش اهمیتی ندارد. فقط شکلش شبیه زردآلو باشد برایش کافیست. جهنم هم جایی است که در آن یک یا دو نوع غذا وجود دارد و آن هم درد و رنج است و هیچگونه لذتی ندارد. بلکه درد را افزایش میدهد و شرایط گلخانه ای به بدترین حالتش در جهنم برقرار است؛ چه از نظر روانی و چه از نظر شرایط محیطی.

قبلا قدیما همیشه در زمستانها، بیش از یک متر برف می بارید و اکثر ما چنین صحنه هایی را دیده ایم و شاهد اینگونه نعمتهای رحمانی بوده ایم. اما اکنون که دوره عوض خواهد شد و دیگر خبری از چنین بارشهایی نخواهد بود. برای کسانی مثل ما که قسمت زیادی از زندگی خویش را در دوره قبلی بوده ایم، خیلی سخت است که شرایط گلخانه ای را شاهد باشیم. این تغییرات در زمانهای قدیم هم رخ داده است و آنان هم شاهد چنین هبوطهایی با درجات ضعیف تر بوده اند. مثلا در زمان پیامبر نوح، همیشه آب به اندازه کافی بوده است و چشمه های طبیعی زیاد بوده است و

همیشه جریان داشته است و همیشه شکار به اندازه کافی بوده است، همانطور که در سوره نوح اشاره شده است.

يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا ﴿١١﴾

[تا] بر شما از آسمان باران پی در پی فرستد (۱۱)

وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا ﴿١٢﴾

و شما را به اموال و پسران یاری کند و برایتان باغها قرار دهد و نهرها برای شما پدید آورد (۱۲)

اما بعد از آن محدودیتهایی پیش آمد. مثلا اینکه بعدا مردم مجبور شدند، در بعضی جاها آب بندهایی ایجاد کنند و یا اینکه کاریز حفر کنند. حتی وقوع چنین حوادثی برای آنان هم خیلی سخت بوده است و آنان از اینکه زمین امکانات قبلی را ندارد، ناراحت میشدند و تاسف میخوردند؛ در حالی که اکنون کار از آب بند و کاریز گذشته و سدها هم جوابگو نیستند. دعاهای قرآنی بسیار پر معنی و پر کاربردند. دعاهای قرآنی داستان زندگی صالحانی در طول تاریخ بوده است که رنج و زحمت و فریاد خود را در قالب این دعاها به زبان می آوردند. آنان بعد از اینکه دچار محدودیت و هبوط میشدند، خطاب به خدا میگفتند:

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا

وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿۲۸۶﴾

خدا هیچ کس را جز به قدر توانایی اش تکلیف نمی کند. آنچه (از خوبی) به دست آورده به سود او، و آنچه (از بدی) به دست آورده به زیان اوست. پروردگارا، اگر فراموش کردیم یا به خطا رفتیم بر ما مگیر، پروردگارا، هیچ بار گرانی بر (دوش) ما مگذار؛ همچنانکه بر (دوش) کسانی که پیش از ما بودند نهادی. پروردگارا، و آنچه تاب آن نداریم بر ما تحمیل مکن؛ و از ما درگذر؛ و ما را ببخشای و بر ما رحمت آور؛ سرور ما تویی؛ پس ما را بر گروه کافران پیروز کن. (۲۸۶)

این دعای قرآنی خیلی زیبا می فرماید: پروردگارا، اگر فراموش کردیم یا به خطا رفتیم بر ما مگیر، پروردگارا، هیچ بار گرانی بر دوش ما مگذار؛ همچنانکه بر دوش کسانی که پیش از ما بودند نهادی. پروردگارا، و آنچه تاب آن نداریم بر ما تحمیل مکن؛ و از ما درگذر؛ و ما را ببخشای و به ما رحم کن؛ سرور ما تویی؛ پس ما را بر گروه کافران پیروز کن.

قسمتی از آیه خیلی زیبا می فرماید که پروردگارا، آنچه تاب آن را نداریم بر ما تحمیل مکن. این قسمت مربوط به تغییرات دوره هاست که آنان نعمتهای رحمانی را از دست میدادند و یا نعمتهای رحمانی کم رنگتر میشد. در زمان ما هم که شرایط به سمت گلخانه ای شدن پیش میرود و البته تغییرات محیط زیستی و رفتاری جامعه که هم اکنون ما شاهد آن هستیم، آنچنان فاجعه بار است که اصلا با تغییرات گذشته ها قابل قیاس نیست و وضعیت خیط تر از این حرف هاست. هر چند هبوط محیط زیست برای گذشتگان ، یک درد و رنج بوده است ولی ما امروزه آرزوی برگشت به آن

محیط زیست هبوط یافته را داریم؛ زیرا هبوط در زمان ما بسیار نگران کننده و گسترده است و اگر خدای رحمان رحم نکند، دچار دردسرهای زیادی خواهیم شد. زمانی که اصحاب کهف از خواب سیصد ساله بیدار شدند، وارد محیطی شدند که هبوط یافته بود. هر چند که درجه هبوط محیط زیستی در آن موقع کم بوده است ولی هبوط رفتاری اجتماعی زیادی را مشاهده کردند. بنابراین آنان دوست نداشتند که زندگی خویش را در زمین میان عده ای هبوط یافته ادامه دهند و از خدای رحمان خواستند که آنان را بمیراند. وقتی اصحاب کهف بیدار شدند، وارد محیط اجتماعی نسل جدید شدند، و مشکلات رفتاری اخلاقی با نسل جدید پیدا کردند.

این که بعضی از ما انسانها بیش از پنجاه، شصت سال عمر نمی کنیم، نعمت بزرگی بحساب میاید؛ زیرا که بعضی ها تحمل هبوط زمین را ندارند و افسوس زیادی برای از دست رفتن نعمات رحمانی می خورند.

در یکی از سایتها خبری را دیدم که متن آن این چنین بود: دانشمندان علوم اقلیمی در حال ارائه طرح ساخت یک سایه چترمانند به اندازه کشور آرژانتین هستند که می‌تواند با مسدود کردن اشعه‌های خورشید، به کاهش اثرات گرمایش جهانی بر کره زمین کمک کند. این ایده غیرمعمول از سوی محققان اسرائیلی مطرح شده که معتقدند ایجاد سایه‌ای به مساحت تقریبی ۲,۵ میلیون کیلومتر مربع می‌تواند دمای زمین را در عرض دو سال ۲,۷ درجه فارنهایت (۱۶,۲- درجه سانتیگراد) کاهش دهد. به گفته این تیم، این موقعیت باعث ایجاد سایه‌ای دائمی بر روی بخش عظیمی از سیاره ما می‌شود. (لینک)

این گفته و ایده های مشابه، گرچه هنوز ناپخته هستند ؛ ولی نشان از شروع شرایط گلخانه ای برای زمین دارد. اگر بشر جلو نور خورشید را بگیرد، مثل این است که یک گلخانه برای خودش درست کرده باشد و آنوقت خیلی از محصولات براحتی رشد نمی کنند و فقط در شرایط خاصی رشد میکنند. اکنون نور خورشید در رسیدن گندم و میوه ها نقش اساسی دارد و بدون نور خورشید هیچ محصولی به بهره نمیرسد. برای اینکه بدانید که نور خورشید چقدر در رسیدن و طعم میوه ها و گیاهان و خاصیت آنان موثر است، داستان واقعی زیر را بخوانید. یکی از دوستان من ، به توصیه مادرش هر ساله در اردیبهشت ماه برای چیدن آویشن کوهی به یکی از کوهستانها میرود. در یکی از سالها، به کوهستان میرود و آویشن را می چیند و برای مادرش میبرد؛ مادرش بعد از بو کردن و مزه کردن آویشن، به پسرش شک میکند و میگوید که بچه جان چرا من را فریب میدهی. این آویشن را از کوه نچیده ای، بلکه از جایی خریده ای. پسرش به خدا قسم میخورد که از همان کوهی چیده است که سالهای قبل می چیده است. بعدا مشخص شد که در آن سال، در اردیبهشت ماه، در آن کوهستان، بیشتر مواقع ابر بوده است و گیاهان آنجا نور خورشید کمتری به آنان رسیده است و به همین خاطر آویشن آنجا خیلی خوب نرسیده بود و طعم و مزه و خاصیت سابق را نداشت. نور خورشید آنچنان مهم است که کوچکترین تغییری در آن (کم یا زیاد)، تاثیر فوق العاده ای بر موجودات زنده و گیاهان دارد. حتی اگر خسوف و کسوف زیاد طول بکشد، ممکن است که باعث سردی زمین شود و تاثیر شگرفی بر دمای زمین داشته باشد. به همین خاطر خدای مهربان اهمیت خورشید و ماه و سایر نظام

کیهانی را به مردم گوش زد میکند. نمرود در مجادله با پیامبر ابراهیم یکی را در زندان میکشد و دیگری را آزاد میکند و به این طریق خود را خدای آنها بحساب میآورد و میخواهد به ابراهیم ثابت کند که او الهه جان و مال مردم است.

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٢٥٨﴾

آیا از (حال) آن کس که چون خدا به او پادشاهی داده بود (و بدان می نازید، و) در باره پروردگار خود با ابراهیم محاجّه (می)کرد، خبر نیافتی؟ آنگاه که ابراهیم گفت: (پروردگار من همان کسی است که زنده می کند و می میراند.) گفت: (من (هم) زنده می کنم و (هم) می میرانم.) ابراهیم گفت: (خدا(ی من) خورشید را از خاور برمی آورد، تو آن را از باختر برآور.) پس آن کس که کفر ورزیده بود مبهوت ماند. و خدا قوم ستمکار را هدایت نمی کند. (۲۵۸)

او از قدرت خویش و جهل مردم سوء استفاده کرده و مردم تحت تسلط خویش را میکشد و اسم این تسلط را خداوندگاری مینامد! اما وقتی ابراهیم، مساله ای خارج از تسلط نمرود بیان میدارد و میگوید ای نمرود خورشید را از سمت دیگر بیرون آر. در این حالت نمرود عصبانی شده و بحث را احمقانه میداند. کشتن یک زندانی و آزاد کردن یک زندانی، کار ساده ای است؛ اما ایجاد نور خورشید و تغییر جهت چرخش خورشید کار فقط خداست. نمرود کلا با اهمیت خورشید و محیط زیست بیگانه بود و نمیدانست که جریان چیست و اصلا به مخیله اش هم خطور نمی کرد که او دارد از

خورشیدی که خدا آفریده است، ارتزاق میکند و محیط زیست او کاملا وابسته به آفریده های خدای رحمان است.

خدا هر روزه بدون هیچگونه تاخیری، خورشید را طلوع و غروب میکند و اگر چنین نباشد، زمین یا خیلی گرم میشود و یا خیلی سرد میشود. حتی خسوفها و کسوفها هم طبق قاعده مشخصی است و قطعا در سرد کردن زمین و تنظیم دمای آن ، نقش بسیار مهمی دارند.

الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ ﴿۵﴾ خورشید و ماه بر حسابی [روان]اند (۵)

وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ ﴿۶﴾ و بوته و درخت چهره سایانند (۶)

اما بشر بخاطر افراط و تفریطهایش در آینده مجبور میشود که بالای سر خود، لایه های محافظ بگذارد و با این کار در یک گلخانه بزرگ محبوس میشود. وقتی در یک گلخانه محبوس شود، آنوقت قدر نعمات الهی را خواهد دانست و حتی ممکن است وضعیت کنونی ما برای او یک خاطره شود.

قدیم زمانی که برف می بارید، کریستالهای برف، هوا در داخل خود ذخیره میکردند و پرندگان و جانوران در داخل برف ، می خزیدند تا از سوز سرما نجات یابند. طبیعت رحمانی یک محیط کامل است و همه چیز را در خود دارد ولی بشر بعد از وارد شدن به شرایط گلخانه ای، دیگر رعایت این جزئیات وظیفه خودش است. البته انسان

هیچوقت چنین وظایفی را جدی نمی گیرد و آن را کامل انجام نمیدهد و کاملا در این مورد گیج است و هیچوقت از محیط زیست خویش محافظت نمی کند و برای بدست آوردن پول هر کاری میکند. با این حال خدای رحمان مردم جهان را به حال خود رها نمی کند و آنان را تا آخرین روز که زمین برقرار است، همراهی میکند و این شرایط مقدمه ای است برای پاکسازی انسانها و جنها؛ تا شاکر و کافر مشخص شوند و هر کدام به مقصد خویش بروند. اگر چه هبوط محیط زیست، برای نسل ما ، خیلی سخت و دردناک است ولی نسل جدید زیاد برایشان مهم نیست و حتی خودشان دوست دارند که وارد هیجانات گلخانه ای شوند و برای خود دردسر بیافرینند. شاید هدایت آنان در گرو این مساله است و این اهرم لازم است برای آنها. این را فقط خدای رحمان میداند و خدا خودش میداند که چه وقتی و کجا محیط زیست را هبوط دهد. ولی برای ما که دوره گذشته را با وجود خویش حس کردیم، سخت است و تحمل چنین شرایطی برای ما مشکل است. از این حس که در ما بوجود آمده است، میتوان بخوبی استفاده کرد و به سوی خدای رحمان توبه کرد و با این وسیله نفس خویش را تزکیه دهیم.

الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿۱۹۱﴾

همانان که خدا را [در همه احوال] ایستاده و نشسته و به پهلو آرمیده یاد می کنند و در آفرینش آسمانها و زمین می اندیشند [که] پروردگارا اینها را بیهوده نیافریده ای منزهی تو پس ما را از عذاب آتش دوزخ در امان بدار (۱۹۱)

رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ﴿١٩٢﴾

پروردگارا هر که را تو در آتش درآوری یقینا رسوایش کرده ای و برای ستمکاران یاورانی نیست (١٩٢)

رَبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ ﴿١٩٣﴾

پروردگارا ما شنیدیم که دعوتگری به ایمان فرا می خواند که به پروردگار خود ایمان آورید پس ایمان آوردیم پروردگارا گناهان ما را بیامرز و بدیهای ما را بزدای و ما را در زمره نیکان بمیران (١٩٣)

رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿١٩٤﴾

پروردگارا و آنچه را که به وسیله فرستادگانت به ما وعده داده ای به ما عطا کن و ما را روز رستاخیز رسوا مگردان زیرا تو وعده ات را خلاف نمی کنی (١٩٤)